

مردم سالاری

جلال مقامی مجری برنامه معروف و گوینده شناخته شده عرصه دوبله که با اجرای برنامه دیدنی‌ها از تلویزیون شهرت بسیاری درجری هنردوستان پیدا کرد در سن ۸۱ سالگی به دلیل کهولت سن درگذشت.

به گزارش ایرنا، محسن سوهانی مدیرکل هنرهای نمایشی رادیو و رادیو نمایش از درگذشت جلال مقامی خبر داد و گفت: این پیشکسوت عرصه گویندگی و دوبله عصر پنجشنبه به علت کهولت سن درگذشت.

استاد جلال مقامی در سال ۱۳۴۴ در ۲۴ سالگی با فیلم *من مادرم* تجربه بازیگری خود را بدست آورد و تا شروع انقلاب اسلامی در ۴ کار سینمایی ایفای نقش کرد. وی بعد از انقلاب نیز در ۳ فیلم بازی کرد اما عمده شهرت وی به اجرای برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها بود.

مقامی از سالال ۱۳۶۲ در ۴۲ سالگی با اجرای برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها به تلویزیون آمد و بمدت ۱۲ سال در روزهای جنگ و پس از آن در قاب تلویزیون‌های سیاه و سفید چهره متفاوتی به نمایش گذاشت.

جلال مقامی مدیریت دوبله آثاری نظیر: «معموم» (۱۳۷۷) و «تعمیق سایه‌ها» (۱۳۶۹)، را برعهده داشته‌است. وی همچنین سرپرستی گویندگان آثاری نظیر: «لانه عقاب‌ها» (۱۳۷۸)، «خیابان» (۱۳۷۶)، «مرد نامرئی» (۱۳۷۴)، «سفر خبیر» (۱۳۷۳)، «هیبوط» (۱۳۷۲)، «پدوک» (۱۳۷۰)، «هوی وحشی» (۱۳۶۹)، «باد سرخ» (۱۳۶۷)، «شب حادثه» (۱۳۶۷)، «شتکیلات» (۱۳۶۵)، «گمشده (۱۳۶۴) و «قصه خیابان دراز» (۱۳۵۷)، را در کارنامه دارد.

جلال مقما به‌جای شخصیت‌های سریال‌هایی نظیر؛ «لبه تاریکی» (ران کریون) با بازی باب پک، «ارتش سری» (سرگرد آروین برانت)، «پوارو» (آرتور هستینگز/ دستیار پوارو) با بازی هیو فریزر، «شرلوک هولمز» (دوبله اول) دکتر واتسون، «شرلوک هولمز» (دوبله دوم) شرلوک هولمز) با بازی جرمی برت و «هشدار برای کبرا ۱۱» (سمیر و راوی اصلی مجموعه مستند «شاهد عینی»، صداپیشگی کرده‌است.

وی همچنین به‌جای بازیگران فیلم‌هایی نظیر؛ «تیش»، «بوچ کسیدی»، «ساندس کید» و «پابرهنه در پارک» با بازی رابرت ردفورد، «دکتر ژبوآگو» و «لورنس عربستان» با بازی عمر شریف، «بانی و کلاید» و «شکوه علفزار» با بازی وارن بیتی، «بربادرفته» (اشلی) با بازی لرنی هاوارد، «شورش در کشتی بونتی» با بازی ریچارد هریس، «کلوی نیمه‌شب» با بازی داستین هافمن و «نزل» سمودد کیمیایی با بازی فرامرز قریبیان، صداپیشه بوده‌است.

مقامی در آثاری نظیر؛ «راز گل شب بو» (۱۳۷۲)، «کالان» (۱۳۶۹)، «زنگ اول» (۱۳۶۳)، «آوینک» (۱۳۴۷)، «گردباد زندگی» (۱۳۴۷)، «پستگاه ترن» (۱۳۴۵) و «من مادرم» (۱۳۴۴)، به نقش آفرینی پرداخته‌است.

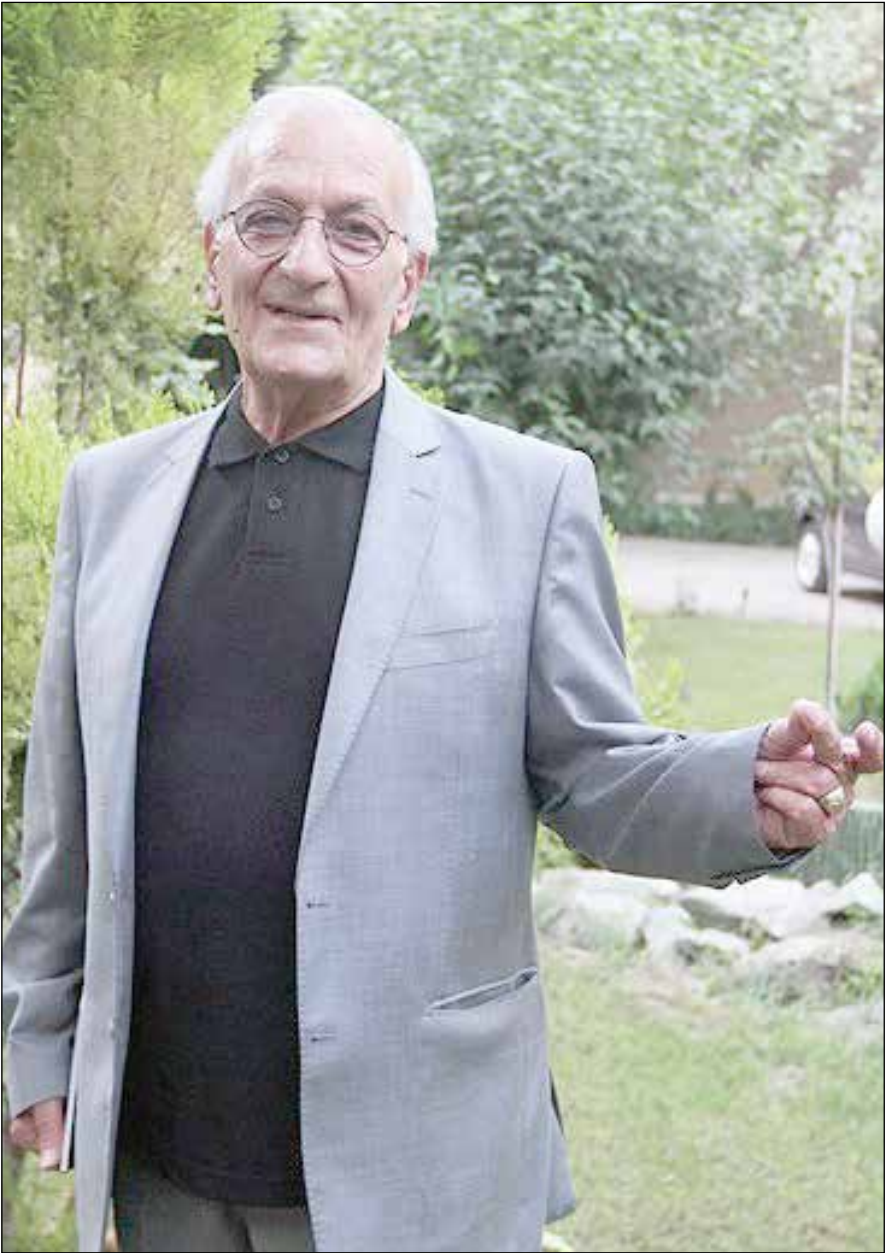
شهردا بانکی مدیر روابط عمومی انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم با اشاره به مراسم تشییع زنده یاد مقامی مجری برنامه ماندگار «دیدنی‌ها» و دپولور و گوینده فیلم‌ها و مستندهای تلویزیونی و سینمایی بیان کرد: مراسم تشییع این هنرمند پیکر روز یکشنبه هشتم آبان ماه برگزار خواهد شد.

وی با اشاره به محل تشییع پیکر زنده یاد مقامی عنوان کرد: احتمالاً این مراسم از خانه هنرمندان برگزار شود و پیکر زنده یاد مقمای در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) خاکسپاری خواهد شد.

روایت جلال مقامی از برنامه دیدنی‌ها

مقامی چند سال پیش در گفت‌وگو با ایسنا درباره برنامه «دیدنی‌ها» که در دهه ۶۰ باعث شهرتش شد، گفته بود: «آن زمان وقتی به من پیشنهاد شد که مجری «دیدنی‌ها» شوم فقط دو شبکه داشتیم. خیلی سال قبل شبکه دو این برنامه را پخش می‌کرد که به یاد دارم ساختمان شبکه دو در خیابان روند و میدان آرژانتین بود که آن زمان آنجا تپه و خیابان‌های خاکی بود و من در آنجا سریال «شنب‌های آنجلس» را بازی می‌کردم. «شَب‌های آنجلس» پنج‌شنبه شب‌ها پخش می‌شد و به طور زنده هم به پخش می‌رسید،

جلال مقامی، صدای ماندگار دوبله در گذشت



بنابراین تجربه اجرای برنامه زنده را داشتم و خیلی از دوربین نگران نبودم.»

«تلاشم برای اولین بار که مقابل دوربین رفتم این بود که به خدا می‌گفتم طوری نشود که از فردای روزی که مشهور شدم بخواهم بادی به غیغ بیندازم.

من در «دیدنی‌ها» با چشمانم با مردم حرف می‌زدم. به یاد دارم آن زمان که برنامه دیدنی‌ها به روی آنتن می‌رفت یک بانوی بزرگی که اهل ادب هم بود و اکنون اجازه ندارم اسمی از او ببرم همیشه به من می‌گفت مقامی تو آنقدر در چشمانت صداقت و صمیمیت داری که آدم حس می‌کند در خانه‌ها محرم هستی. آن زمان که برنامه «دیدنی‌ها» پخش می‌شد به دلیل اینکه در شرایط جنگی به روی آنتن می‌رفت و بخش عمده‌ای از برنامه‌های تلویزیون در زمینه جبهه بود، لازم بود این یک ساعت پخش شود تا روحیه مردم عوض شود. «دیدنی‌ها» واقعاً آن زمان جایگاه دیگری داشت و مردم با دیدن آن نفس می‌کشیدند تا فقط مساله جنگ در تلویزیون مطرح نباشد و مردم بتوانند یک ساعتی هم استراحت کنند.»

چنین تعریف کرد که مدیر وقت شبکه دو یک روز صداش زده و گفته است، آقای مقمای می‌گویند شما مرتب لباس‌هایتان را تغییر می‌دهید!که در پاسخ به آن مدیر گفته، «می‌گویند یا شما خودتان دیده‌اید؟» مقمای در ادامه این خاطره را اینگونه روایت کرد: «من آن زمان در پاسخ به آن مدیر شبکه گفتم یک مدیر نباید بگوید می‌گویند، بلکه باید خودش تلویزیون را ببیند، خودش نظر بدهد و سپس قضاوت کند.»

کاربلد؟ اظهار کرد: زنده یاد مقامی از دوران گذشته دپولور مطرحی بودند و در این عرصه فعالیت داشتند و بعد آمدند و به عنوان مجری در تلویزیون دعوت به اجرای «دیدنی‌ها» شدند که این برنامه هم در زمان خود طرفداران زیادی داشت.

او درباره همکاری اش با جلال مقامی در عرصه دوبله نیز یادآور شد: من با همه این عزیزان کار کرده ام در کنارشان بوده ام و درس گرفتم ام. دوران خوبی بود.

فیلم‌هایی که برای دوبله می‌آوردند واقعا فیلم بودند، قصه‌ها قصه بود، سوزها هم سوزه بود. کارگردانان و بازیگران هم همین طور. در آن دوره تمام گویندگانی که متعلق به عصر طلایی دوبله است، فعالیت داشتند اما متأسفانه آن دوره دیگر تمام شد. با آقای مقمای هم کارهای زیادی مشترکاً انجام دادیم. از فوت و فقدان ایشان واقعا ناراحتم و دلم به درد آمده است. تسلیت می‌گویم به جامعه هنری، به مردم که با صدای ایشان خاطره دارند و همچنین به خانواده و دختر عزیزشان. این روزها ذهنم خسته و گرفته است. مسائل مملکت از یک طرف و از دست دادن این عزیزان از طرف دیگر، همه و همه دست به دست هم داده و ما را دلگیر و زمین گیر می‌کند.

منوچهر والی‌زاده:

قلب جلال مقامی از نبود همسرش ایستادا
خبر آنلااین هم در خصوص درگذشت جلال مقامی با دوست و همکاری قدیمی‌اش منوچهر والی‌زاده گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید:

رابطه دوستانه شما و آقای مقامی از کجا بود و چگونه شکل گرفت؟

من و جلال مقامی تقریبا ۱۵ یا ۱۶ ساله بودیم که وارد این حرف شدیم. آقای مقمای یکسال از من کوچک‌تر بودند و همیشه با لحن شوخی می‌گفتند تو جای پسر منی وقتی ستمان را یادآوری می‌کردم می‌گفت می‌دانم، منظورم این است که مانند پسرم دوستت دارم.

از اینکه این خبر شوکه کننده را شنیدم بسیار اندوهگینم دوستانم را یکی یکی از دست می‌دهم و نمی‌توانم کاری کنم، خیام یک شعری دارد که می‌گوید: «برلب جوی بنشین و گذر عمر ببین!» خود جلال بر این باور بود که آدم باید با اقتضای سنش پیش برود، ما نابود نمی‌شویم فقط در زمان حل می‌شویم.

اسمش این است که سسکته کرد، اما به قول قدیمی‌ها فکر می‌کنم از نبود رفعت هاشم‌پور، همسر نازنینش دق کرد و حتی یکسال هم توانست بدون همسرش ادامه حیات بدهند، زندگی فوق‌العاده‌ای کنار یکدیگر داشتند، هم همسرش انسان شریف و بزرگی بود، هم خودش.

شما یکی از دوستان بسیار نزدیک آقای مقامی بودید، چیزی از برنامه «دیدنی‌ها» به یاد دارید که یا برای خودتان جالب بوده باشد، یا ایشان آن را با هیجان زیادی برایتان تعریف کرده باشد؟

«دیدنی‌ها» که در زمان خودش یکی از ناب‌ترین، خاص‌ترین و پرطرفدارترین برنامه‌ها بود. من خاطره‌ای ندارم اما ایشان یکی روایتی از هنگام ضبط این برنامه می‌گویند که شاید برایتان جالب باشد.

جلال مقامی روایت می‌کرد، یکبار در پلاتو سر ضبط برنامه «دیدنی‌ها» بود، در خیابان توابر نزدیک شبکه دو – که آن برنامه ضبط می‌شد– یک موشک اصابت کرد، گویا همان زمان یکی از پرژکتورها کنده شده و به زمین افتاده بود و آقای مقمای فکر می‌کند که بمب را آنجا زند و پیش خودش گفته خداروشکر که این یکی عمل نکرده است.
پر رنگ‌ترین ویژگی شخصیتی ایشان برای شما چه بود؟

انسان بزرگواری بود، این سال‌های آخر کمی خسته و دلشکسته بود. هم از شرایط و اوضاع و احوال هم کار دوبله هم هنر ما بهم فکر نکرد و می‌گفت به من پیشنهاد نمی‌دهند هربار مرا بخواهند کنارشان خواهد بود. عاشق بود، عاشق زندگی، کارش، خانواده‌اش. محترم بود. من دوست، همکار، استاد یا به قول جلال پدرم را از دست دادم و نمی‌توانم چیزی بگویم.

مهسا کرامتی:

دوست دارم نقش حضرت مریم را بازی کنم

نیست بلکه ما در سینما نیز شاهد چنین مشکلی هستیم و یکی از دلایل اصلی این است که فیلمنامه نویسان قدیمی و باسابقه کمتر فعالیت می‌کنند. از طرفی دیگر تهیه کنندگان اهمیت لازم را به فیلمنامه نمی‌دهند و دستمزدی که نویسندگان فیلمنامه می‌گیرند، بسیار پایین است و فیلمنامه‌نویس برای امرار معاش مجبور است درطول سال چند فیلمنامه بنویسد. کرامتی درباره شباهت نقشی که در سریال ایفا کرده با شخصیت‌های واقعی، بیان داشت: برای ایفای برخی نقش‌ها قطعاً نیاز به تحقیقات میدانی است اما به صورت کلی بازیگر باید با یک نگاه کنجکاوانه همیشه به اطرافش نگاه کند و در کنار آن مطالعه خوبی نیز داشته باشند. البته تجربه زیستی بازیگر در هنگام ایفای نقش نیز به کمک او می‌آید.

کرامتی با تأکید بر اینکه موضوع سریال آتش سرد درباره خانواده‌ها است و مساله‌ای رایج را بیان می‌کند، گفت: امروز دیگر در خانواده‌ها نمی‌توان جوانان را مجبور به کاری کرد. بلکه فقط می‌توان به آنها مشورت داد و باید اجازه دهیم آنها خودشان انتخاب کنند و پدر و مادرها بدانند که فرزندانشان، ملک شخصی نیستند و فقط می‌توانند تجربیاتشان را به آنها منتقل

و مطلبی را بیان کند که دغدغه امروز مخاطبان و جوانان است و در این میان باید جوانان مورد توجه جدی قرار بگیرند. یعنی باید به زبان جوانان صحبت کرد.

کرامتی در پاسخ به این سوال که مسئولان صداوسیما باید چه برنامه‌ریزی برای جذب مخاطب داشته باشند، گفت: قطعاً صدا و سیما باید آثار خوبی بسازد که قابل عرضه باشد و مخاطب نیز آن را ارزشمند بداند. مهمترین مساله برای صدا و سیما باید جلب اعتماد مخاطب باشد و مخاطب بتواند کاملاً به رسانه اسی اعتماد کند و در مرحله دوم این مخاطب است که انتخاب می‌کند چه اثری را تماشا کند. این بازیگر با اشاره به اینکه سریال‌ها باید از جنس زندگی امروز مردم باشد بیان داشت: من به عنوان بازیگر قطعاً دنبال یک فیلمنامه جذاب هستم اما واقعیت این است که انتخاب ما نیز از این گزینه‌هایی است که به ما پیشنهاد می‌شود. متأسفانه بسیاری از فیلمنامه‌ها قدرت لازم را ندارند، به شکلی که من بعد از بازی در آتش سرد، حضور در اثر دیگری را فعلاً نپذیرفتم.

وی با اشاره به اینکه سریال آتش سرد دارای فیلمنامه خوبی است، گفت: مشکل فیلمنامه‌های ضعیف فقط مختص به تلویزیون

فرهنگی

تکانه

آن صدا کجا می‌رود؟



«شاید، هفت، هشت ماه دیگر رفته باشیم. نباید این‌قدر دستم تنگ باشد.» آنکه این جمله را گفت و احتمال داد هفت، هشت ماه دیگر شاید رفته باشد، سه ماه و سه روز پس از آن و نه هفت، هشت ماه

بعد درگذشت. از جلال مقامی سخن می‌گویم که امروز پنجم آبان ۱۴۰۱

هر چند شهرت اصلی او به عنوان دپولور و صداپیشه و سرپرست دپولاز بود اما در زمرهٔ معدود صداپیشگان بود که به خاطر برنامهٔ تلویزیونی «دیدنی‌ها» در روزگاری که تلویزیون بیننده بسیار داشت و از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت خبری نبود، چهرهٔ او هم برای مردم آشنا بود.

مرد مرداب – سه ماه و سه روز قبل – زادروز او بود و احسان نظام‌بکایی، مسئول روابط عمومی سریال در حال ساخت «سلمان فارسی»، روایتی از دیدار با جلال مقامی را منتشر کرد که موجب تأثر و تحسّر فراوان شد. او نوشت: «استاد جلال مقامی امروز هشتادویک ساله می‌شود. چند روز قبل به دیدنش در مهرشهر کرج رفتم. دقیقاً قبل از رسیدن حسین قزایی، مدیر کل روابط عمومی صداوسیما، آنجا بودم. بیماری و کهولت تأثیری در صدای رسا و هوشمندی‌اش نداشت. مقامی حرفی زد که دلم را به درد آورد: از غذایم می‌زنم تا دارو بخرم! گیج شده‌ام مگر قرار است چقدر عمر کنم؟ شاید هفت، هشت ماه دیگر رفته باشیم. نباید اینقدر دستم تنگ باشد که آبروی هشتادساله‌ام برود.

متوجه شد ناراحت شده‌ام. فضا را عوض کرد: «اینها را برای جلب ترجم نگفتم! من اگر می‌توانستم کار کنم، محتاج نمی‌شدم! پیشنهاد برای دوبله دارم ولی خودم می‌دانم، نمی‌توانم. چرا کاری کنم که آبرویم برود. شاید صدام به نقشی بخورد، ولی مثل قدیم بر آثارهای صوتی‌ام تسلط ندارم و شاید در حس نقش کوتاهی کنم. کاش مسئولان فرهنگی حواس‌شان به ما باشد تا شب، آشفته نخوابیم اما امیدم به خداست.»

همان موقع در عصر ایران یادداشتی منتشر شد و قصد تکرار آن موارد را نداریم، چرا که حالا دیگر آسوده شده و نگران آبروی خود نیست اما دو پرسش به ذهن آن‌ها چنگ می‌زند:

اول اینکه سرمایه‌های یک سازمان عریض و طویل به نام صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با بودجهٔ سالانه پنج هزار میلیارد تومان هنرمندان آن‌اند یا نه؟ اگر آری چرا تا از کار می‌افتند به حاشیه رانده می‌شوند؟ بسیاری البته قبل از آن‌که کار بیفتند و به دلایل دیگر از گردونه کنار گذاشته می‌شوند. خود گفته بود: «بیش از دو سال است که خانه‌نشین شده‌ام و دیگر نمی‌توانم کار کنم… کسی حالم را نمی‌پرسد. البته انتظاری هم ندارم چون همه گرفتارند.

از وقتی سسکته کردم‌انگار فراموش شده‌ام… کسی به دیدنم نمی‌آید. البته انتظاری هم ندارم. راه دور است و همه گرفتار هستند. خواسته‌ای ندارم. به هر حال کسی که دو سال کار نکرده طبیعی است که دستش پر نباشد. من نمی‌خواهم به کسی رو بیندازم و خودم را بشکنم که اهالی آدم‌ها به من کمک کنند. به هر حال قسمت ما هم اینطور بوده و من از هیچکس انتظاری ندارم.» او ۶۳ سال برای تلویزیون، واحد دپولاز و رادیو کار کرده بود با صدا و آثاری چون «لورنس عربستان» به جای عمر شریف، «شرلوک هولمز»، «هشدار برای کبرا ۱۱» به جای سمیر، «جزیره اسرارآمیز» به جای استیون لووات، «خانواده رابینسون» به جای ریچارد توماس، «ارتش سری» به جای مایکل کالور، «بنیام با ال‌رساله – در ایران: محمد رسول‌الله» به جای نویل جیسون (در نقش جعفر ابن‌ابی‌طالب و مدیر دپولاز آن) شنیده‌ام و در دههٔ ۶۰ و ۷۰ در قاب تلویزیون و در برنامهٔ دیدنی‌ها هم می‌دیدیم.

پرسش دوم اما قدری فلسفی است و به کوتاه‌ترین و گویاترین شکل در شعری از کیوان مهران بیان شده است. پرسش این است:

بازیش‌ای کجا می‌رود

گلی که بژمرده می‌شود

بر این سیاقی می‌توان گفت هر قدر درگذشت او را به بیماری نسبت دهیم و اینکه «همه می‌میرند» و هنرمند و غیر هنرمند ندارد اما باز این پرسش باقی است: آن صدا کجا می‌رود؟

دربارهٔ صدا البته به لطف فناوری امکان بقا و ماندگاری فراهم آمده و بر پایهٔ شعر مشهور فروغ «تنها صداست که می‌ماند» اما مراد صدایی است که از آن حنجره و زنده شنیده می‌شد و این پرسش در پی هر مرگ سراغ آدم می‌آید و در هر مرگ آنچه غایب می‌شود نه جسم که مفاهیمی است که انسان به آنها معنی می‌دهد و از آنها معنی می‌پذیرد.»

منبع: عصر ایران

اخبارکوتاه

فیلم ایرانی نامزد جایزه انجمن بین‌المللی مستند شد

مستند «من سعی میکنم فراموش نکنم» نامزد جایزه بهترین مستند کوتاه از جوایز سالانه انجمن بین‌المللی مستند (IDA) شد.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، انجمن بین‌المللی مستند فهرست ۲۵ مستند بلند و ۲۴ اثر کوتاه را به عنوان نامزدهای جوایز سالانه این نهاد سینمایی معرفی کرد و «من سعی میکنم فراموش نکنم» ساخته پگاه آهنگرانی یکی از نامزدهای بخش مستند کوتاه این جوایز است.

مستند کوتاه «من سعی می‌کنم فراموش نکنم» در اولین نمایش جهانی خود در بخش مسابقه آثار مستند کوتاه جشنواره «ایدفا» (IDFA) که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویداد مستند جهان است، حضور داشت.

تهیه‌کنندگی این مستند کوتاه ۱۶ دقیقه‌ای را کاوه فرنام برعهده دارد و فرحناز شریفی تدوینگر این فیلم است. همچنین آتنا اشتیاقی و مهرشاد ملکوئی به ترتیب آهنگسازی و صداگذاری این مستند را برعهده دارند.

پگاه آهنگرانی و احسان عبیدی‌پور به طور مشترک فیلمنامه «من سعی می‌کنم فراموش نکنم» را نوشته‌اند.

این مستند کوتاه پیش از در بخش مسابقه بیست و هشتمین جشنواره فیلم مستند هات داکس، هجدهمین جشنواره فیلم مستند زاگرب، زاگرب داکس، جشنواره لیسون، جشنواره لاس پالماس و بوستن نیز حضور داشته است مراسم اعطای جوایز سالانه انجمن بین‌المللی مستند روز ۱۰ دسامبر (۱۹ آذر) در لس آنجلس برگزار می‌شود.

شان پن جایزه بشردوستانه را دریافت کرد

آکادمی تلویزیون-آمریکا اعلام کرد از شان پن بازیگر، کارگردان و فعال اجتماعی معروف در اهدای جایزه بشردوستانه باب هوب تجلیل می‌کند. علاوه بر این ۶ چهره تلویزیونی آمریکا شامل کن برنزد، دی ال‌سن، باب دالی، رابرت ال جانسون، ریئا مونرو و دونالد مورگان به بیست و ششمین تالار مشاهیر آکادمی معرفی می‌شوند.

به گزارش مهر، فرانک شرما مدیر آکادمی تلویزیون آمریکا از این چهره‌ها به عنوان بازیگران، سازندگان

و مدیران برجسته صنعت تلویزیون یاد کرد و گفت آنها منظر و فرهنگ تلویزیون را بی‌اندازه ارتقا داده‌اند.

شان پن همواره در امور اجتماعی فعال بوده و در طول چند دهه تلاش‌های بی‌وقفه در این زمینه با تأسیس سازمان تلاش‌های آمدادی سازمان‌یافته در صحنه رویدادهایی چون زلزله ۲۰۱۰ هابیتی تأثیر گذاشته است. او با شروع همه‌گیری کووید-۱۹- انجام آزمایش‌های انبوه و ایجاد سایت‌های واکنش‌ناستین در این مورد به کمک مردم لس‌آنجلس آمد و با شروع جنگ اوکراین نیز به فعالیت در این حوزه پرداخت.

رئیس کمیته مشترک انتخاب برنده جایزه باب هوب فعالیت‌های شان پن را تأثیرگذار و الهام بخش و وی را شایسته چنین تجلیلی خواند.



سونیا فریشی، منشی صحنه؛ مهین شهبازی، مدیر تدارکات؛ علی حصاری

برنامه‌ریزی؛ علی جوادی و حمید همتی، دستیار اول کارگردان؛ امیر سلیم‌خانی و

طراح لباس؛ سمیرا شجاعی، مدیر